



گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (صفت نودهشت)

سرگذشت بازار مشهد (بخش چهارم)

مرضیه‌ترایی|احمد ماهوان در کتاب «تاریخ مشهد قدیم» می‌نویسد: «راه ارتباطی نوغان و سناباد و توس در قرن اول و دوم هجری از هرکجا که می‌گذشت، بدون شک پس از مدفون شدن بیکر مطهر حضرت رضا(علیه‌السلام) در باغ حمیدبن قحطبه که بین نوغان، سناباد و توس واقع بود، از کنار مدفن حضرت انتخاب گردید و این مسیر در طول زمان به‌صورت یک گذرگاه زبارتی‌تجاری به نام بازار درآمد. چون زیارتگاه‌ها همیشه از مراکز تجاری پررونق زمان بوده است، می‌توان بازار سناباد توس را از قدیمی‌ترین بازارهای ایران دانست، تحلیل ماهوان، تحلیلی تأمل‌برانگیز و پذیرفتنی است. گفتیم که باید زمان پیدایش بازار مشهد را، حتی قدیمی‌تر از شکل گرفتن خود شهر بدانیم، بنابراین دور از ذهن نخواهد بود که فرض آقای ماهوان را بپذیریم و مسیر بازار قدیمی مشهد را در غرب حرم مطهر، همان مسیر باستانی میان نوغان و سناباد بدانیم. این مسیر تاریخی که از محدوده بازار سرشور فعلی شروع می‌شد، تا ضلع غربی قبرستان مشهور قتلگاه، امتداد می‌یافت و به محدوده راسته نوغان فعلی می‌رسید و شاید می‌شد ادامه آن را تا دروازه نوغان دنبال کرد.

- شواهد تثبیت مسیر بازار

مسیر بازار قدیم مشهد در ضلع غربی حرم رضوی، به‌دلیل قدمت و تثبیت موقعیت، از همان قرن‌های نخست پیدایش شهر مشهد، به رسمیت شناخته شده بود. گواه ما بر این مدعا، شکل گرفتن مراکز خدماتی، مذهبی و آموزشی در این مسیر خاص و باستانی است. افزون‌بر سراها و تیمچه‌های معروفی مانند«سرای وزیرنظام»،«سرای ناصری»،«سرای سلطانی»،«سرای محمدیه»و… که نبض فعالیت‌های اقتصادی در حاشیه بازار بزرگ بود، مراکز آموزشی و مذهبی نیز، با بازار ارتباط مستقیم داشت. مسیر بازار از ضلع غربی حرم مطهر می‌گذشت و مسجد جامع گوهرشاد را در حاشیه بازار ساخته بودند، به‌طوری‌که دو معبر مستقیم به‌سوی بازار داشت. افزون‌بر این‌ها، مدارس قدیمی مشهد مانند «دور»، «پریزاد» و «بالاسر»، کاملاً در مجاورت بازار قرار گرفته بود و در اصلی آن‌ها به داخل بازار باز می‌شد، حتی مدرسه میرزاآقچه که به‌ظاهر از مسیر اصلی بازار فاصله داشت، کنار امتداد بازار مشهد در بخش شمالی و در مجاورت بازار سنگ‌تراش‌های قدیم واقع بود. علاوه‌بر این، توسعه بازار و ایجاد شعب‌فرعی آن، زمینه‌رایی ساخت تأسیسات مشابه‌در این معابر نیز فراهم آورد،بازارهای محدودی مانند،«بازار زرگرها»،«در دالان میان صحن عتیق و صحن نو» و«بازار ساعت» و «بازار منوایی» در حاشیه بست بالا، نمونه‌هایی از این هم‌جواری فضای بازار با تأسیساتی است که به‌آن‌ها اشاره کردیم. نکته‌مهمی که شاید بتوان آن را در بررسی‌های مربوطبه توسعه تاریخی شهر مشهد مدنظر قرار داد، این است که مسیر باستانی بازار شهر، نقشی راهبردی در شکل دادن به محلات، تعیین الگوهای زیستنی و محدوده سکنای طبقات گوناگون شهری -از منظر جایگاه اقتصادی- داشته است. برخی پژوهشگران حوزه تاریخ مشهد معتقدند که وجود بازار، نقش مهمی در ایجاد مناطق اعیانی، مانند محله قدیمی چهارباغ ایفا کرده است، موضوعی که هرچند نمی‌توان آن را با قاطعیت پذیرفت، نباید از کنارش بی‌تفاوت نیز عبور کرد.

- تغییرات اجتناب‌ناپذیر

تغییر الگوهای معماری و توسعه شهری در ادوار مختلف تاریخی، یک‌ضرورت اجتناب‌ناپذیر بوده‌است. نمی‌توان توقع داشت که صرفاً برای حفظ تاریخ و هویت، فضای موردنیاز برای کاربری‌های جدید نادیده انگاشته شود. اما اینکه ساختار توسعه و تغییر الگوی مبنای تسلسل تاریخی و هویتی و با حفظ پیوستگی‌های پایدار، تدوین و اجرایی شود، یک ضرورت مهم و اساسی است. آن‌هم درموردشهری مانند مشهد که اصولاً هویت آن با مفهوم زیارت، بیش از تاریخ و قومیت پیوند دارد و به همین دلیل، همواره پذیرای اقوام گوناگون، با فرهنگ‌ها و الگوهای هویتی متفاوت بوده است و نیازمند توجه به یک روند مشخص و ساختار معین در چنین فضا‌هایی است. بگذریم، تغییراتی که از آن صحبت کردیم، بر روی شکل و الگوی بازار مشهد هم، مانند دیگر اجزای شهر، تأثیرگذار بوده است. این تأثیرات را البته نمی‌توان مثبت ارزیابی کرد. دست‌کم در سیصد سال گذشته، همواره تغییرات به زبان هویت و حیات بازار قدیم مشهد جریان داشته است. با نگاهی به منابع تاریخی، می‌توان دست‌کم پنج تغییر بنیادی را شناسایی کرد که ابتدا باعث گسست و سپس اضمحلال بازار مشهد شده‌اند.

- نخستین گسست و عوارض آن

نخستین تغییرشکل در بازار مشهد در دوره صفویه رخ داد. به بیان بهتر، ایجاد خیابان و نیز توسعه صحن عتیق که در دوره‌امریعلی شیر نوایی ساخته شد و در عهد شاه‌عباس یکم، فضای آن به چهاربرابر اندازه اولیه افزایش یافت. نخستین تغییر اساسی را در شکل بازار مشهد به‌وجود آورد، البته توسعه شهری پیش از صفویه نیز در مشهد رقم خورده بود. اگر یادتان باشد، درباره این توسعه در عهد تیموری و دوره‌شاهرخ و فعالیت‌های همسرش، گوهرشادخاتون، درقسمت‌های پیشین «مشهدیات» مفصل سخن گفتیم، اما توسعه عهد تیموری بر مبنای الگوی بافت قدیمی و بر محور ساختارهای سنتی شهر، رخ داد و درواقع، به‌جای تغییر شکل در فضا‌های مهم شهری مانند بازار، بیشتر تأسیسات و نهادهای مذهبی، علمی و خدماتی، دچار تغییر شد. به دیگر سخن، توسعه عهد تیموری در جدی نبود که بتواند در برابر شکل و ساختار قدیمی بازار قد غلم کند. اما در دوره صفویه و به‌طور ویژه، عهد شاه‌عباس‌یکم، تغییر در ساختار و الگوی شهرسازی، چنان گسترده بود که بازار، چاره‌ای جز پیروی از آن و تمکین در برابرش نداشت و به این ترتیب، برای نخستین‌بار، بازار قدیمی مشهد تن به تغییرات شکلی منطبق با نظم شهری جدید داد. توسعه چهاربرابر برای صحن عتیق، در بخش غربی، قسمتی از بازار باستانی مشهد را وارد فضای اماکن متبرکه کرد. به این ترتیب، در قسمت شمالی، ۶۴/۵ متر (معادل عرض صحن عتیق) از مسیر بازار مشهد کم شد و عملاً میان فضایی که بعدها به نام بازار سنگ‌تراش‌ها شهرت یافت و بخشی که به بازار زنجیر مشهور شد، فاصله افتاد، فاصله‌ای که عوارض اقتصادی و اجتماعی بی‌شماری در پی داشت. از یک‌سو، قسمت جنوبی به‌دلیل تداوم اتصال با بخش اعظم بازار، اعتبار و برتری‌ای پیدا کرد، به‌ویژه آنکه حالا، بازار زنجیر تنها بخشی از بازار بزرگ مشهد محسوب می‌شد که در همسایگی حرم رضوی و روضه منوره قرار داشت. این اعتبار اجتماعی، همان‌طور که گفتیم، عوارض اقتصادی هم‌به‌دنبال آورد،تعدادزائران ومجاورانی که ترجیح می‌دادند از بازار زنجیر و بخش‌های جنوبی بازار قدیم مشهد خرید کنند، بیشتر شد و به‌دنبال آن، قیمت ملک نیز، در این قسمت افزایش یافت و ازسوی دیگر، قسمت شمالی به‌دلیل جدا افتادن از بخش اصلی بازار، رونق خود را به‌تدریج از دست داد. عبور این بخش از کنار قبرستان قتلگاه، شیوع مشاغل مربوطبه کفن ودفن را در این قسمت به‌دنبال داشت و طبیعتاً، از ارزش اقتصادی ملک و نیز، حجم مبادلات اقتصادی آن، به نحو چشمگیری کاسته شد و دیگر تنوع مشاغل در این بخش، چندان به‌چشم نمی‌آمد. این گسست، شاید برای نخستین‌بار، باعث شکل‌انتهائات بازار در اطراف مسیر اصلی شد که به بخشی از آن‌ها در این قسمت اشاره کردیم و در قسمت‌های بعدی نیز در باره‌اش صحبت خواهیم کرد.

ادامه دارد...

شهریار

شماره ۱۲۲ شهریور ۱۳۹۲ ۲۶ خرداد ۱۳۹۳ شماره ۱۰۳۳



تاریخ و هویت

تحفه قفقازی

نگاهی به تاریخ شکل‌گیری نخستین سینمای مشهد در تالار موسی‌خان اعتبار السلطنه

حوادث و درگیری‌هایی که اوایل قرن میلادی گذشته در باکو رخ می‌دهد، سبب می‌شود مسلمانان قفقازی بسیاری آنجا را ترک کنند و راهی ایران و شهرهایی چون مشهد شوند. این گونه است که مشهد به مامن مهاجران قفقازی در اواخر دوره قاجار بدل می‌شود. تعدادی از همین مهاجران هستند که پای هنر نمایش و بعد تر سینما را به مشهد باز می‌کنند. نمونه‌اش دکتر نصیر بیک‌اف که نمایشنامه‌های متعددی را با صحنه‌گردانی روس‌های مهاجر و به زبان ترکی در سالن اعتبار السلطنه اجرا می‌کند. علاوه‌بر این سالن، تماشاخانه‌های ملی و گلشن نیز برنامه‌هایی با رقص و آوازهای قفقازی و لرگی اجرا می‌کنند که مردم مشهد از آن‌ها دیدن می‌کنند اما همچنان خبری از سینما نیست. چند سال می‌گذرد تا بالاخره با نمایش فیلم‌های صامت در سال ۱۲۹۰ خورشیدی در سالن اعتبار السلطنه، سینما در مشهد شروع به کار می‌کند. روز ملی سینما فرصتی است تا در صفحه تاریخ و هویت امروز درباره نخستین سینمای شهر مشهد بگوییم؛ «سینمای اعتبار السلطنه».

توضیح: بخشی از اطلاعات این گزارش برای نخستین‌بار منتشر می‌شود.

اولین تلاش برای سینما

میرمرتضی قه‌باغی‌به اعتبار اسناد باقی‌مانده، اولین مهاجری است که تقاضای تأسیس سینما در مشهد را مطرح می‌کند. نام او به صورت «سلاله السادات آقامیرحمید قه‌باغی» در فهرست اتباع روس مقیم مشهد در ۱۳۰۰ قمری ثبت شده است. کنسول روسیه در مشهد در نامه‌ای، درخواست تأسیس سینما برای یک تبعه روسی به نام میرمرتضی، پسر میرحمید قه‌رباغی، را مطرح می‌کند. ماجرا از این قرار است‌که ۱۰ سال بعد از ورود دوربین فیلم‌برداری توسط مظفرالدین‌شاه به ایران، میرمرتضی قه‌باغی در آغاز صفر ۱۳۲۹ قمری برابر باآذر ۱۲۸۹ خورشیدی، درخواست «اجازه تأسیس پرده تئاتر سینما وگراف» را پیش سرکنسول روسیه در مشهد می‌برد و او نیز برای کسب اجازه، این درخواست را نزد والی خراسان ارسال می‌کند که آن‌ها هم به وزارت داخله ارجاع می‌دهند. این گونه، موضوع به اطلاع وزارت خارجه می‌رسد تا پس از ملاحظه در این زمینه تصمیم بگیرد و نتیجه را به اطلاع والی خراسان برساند.

به نقل از شماره۱۵۳۵ روزنامه «طوس»، میرمرتضی ماشین سینما را که در یکی از سفرهایش از روسیه خریده است، در یکی از دکان‌های معروف به صاحب‌دیوانی متعلق به آستان قدس، دایر می‌کند اما اتفاق اصلی، جایی دیگر و به دست شخصی دیگر می‌افتد.

عمارت موسی‌خان اعتبار السلطنه که از صاحب‌منصبان قشون قزاق و رئیس قورخانه مشهد(کارخانه اسلحه‌سازی) در کوچه حمام ارگ، نرسیده به گنبدسبز است، تالاری دارد

تئاتر، هم‌سا به نخستین سینما



ساختمان اداره تئاتر، سالن اعتبار السلطنه، عمارت شاه‌نشین

البته در این دوره همچنان نمایش‌هایی در سالن سینمای اعتبار السلطنه برگزار می‌شود، نمونه‌اش تئاتر کم‌دی که روزنامه آزادی خبرش را در شماره ۱۸۸ تاریخ ۲۳بهمن ۱۳۰۴ می‌نویسد: «در سالن اعتبار السلطنه که در پنج پرده به وسیله آکتورهای ایرانی و به زبان فارسی در شب سه‌شنبه دهم شعبان داده می‌شود، دیدنی است. بشتابید که ندیدن موجب پشیمانی است». یا تئاتری که خبر آن در شماره ۱۶ روزنامه آزادی به تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۰۴ آمده است: «شب جمعه هفته گذشته تئاتری از طرف انجمن فردوسی در سالن اعتبار السلطنه داده شد. آکتورها به‌خوبی از عهده ایفای رول‌های خود برآمدند. هرچند دراصل پیس(متن نمایشنامه) و طرز نمایشات بعضی آکتورها جزئی توافقات بود، لیکن روی هم‌رفته قابل تمجید بود. همچنین عملیات آکروبات‌بازی و ژانگولر‌بازی هم در میان همین نمایش‌ها همچون گذشته اجرا می‌شود. برای نمونه در ادامه خبر فوق آمده «قسمتی که فوق العاده طرف جلب توجه حضار شد، پرده نمایش ورزشی بود و یکی از جوانان ورزشکار به حدی خوب اعمال ژیمناستیک‌ی را به جا آورد که موجب تعجب و نیز مسرت عموم گردید».

مهاجران؛ اولین سینمادارها

موسی‌خان که پای سینما را به مشهد باز می‌کند، دیگران نیز به‌صراحت می‌افتند سینمایی دایر کنند اما بین این دیگران، هیچ مشهدی مسلمان نیست. مشتاقان برپایی سینما یا ارمانه ساکن هستند یا مهاجران قفقازی. نخستین این افراد صادق خان تارتارا و شخصی به نام شازده هستند که در سال ۱۲۹۹ خورشیدی جنب دیوار ارتش در باغ ملی را با گونی دیوارکنشی می‌کنند و با چیدن چند صندلی هم فیلم‌روسی نمایش می‌دهند و هم نمایش و آکروبات اجرا می‌کنند. اگرچه ماده ۶ فرمان «حکم می‌کنم؛ رضاخان بعد از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و اعلام حکومت‌نظامی توسط او که می‌گوید «تمام مغازه‌های شراب و عرق فروشی، تئاتر و سینما توگراف‌ها و کلوب‌های قمار باید بسته شود، باعث می‌شود برای چندی رونق این مکان تازه-تأسیس از بین برود، نمایش پیوسته فیلم غیرنطاق در این مکان است. تا کپر دوره‌ای حتی حدود چهارصد صندلی دارد-سبب می‌شود همین فضای تابستانی نیز نام سینما بگیرد. پس از او «نیکولا گریگوریانس علی بیک‌اف، تبعه شوروی که مهندس و متخصص کارخانجات سینما توگراف بادکوبه‌ای است. در «تماشاخانه باغ نادری» پرده‌ای نصب می‌کند و فیلم‌هایی را نمایش می‌دهد.

بیک‌اف برای تأسیس و پیشبرد سینما توگراف در ایران، برنامه جامع



اعتباری که محو شد

مهدی داوودزاده، مالک سینمای ایران است که تا حوالی ۱۳۰۹ خورشیدی در محل تالار اعتبار السلطنه دایر است. در سندی به تاریخ ۲۶بهمن ۱۳۰۸ روزنامه اطلاعات سال چهارم، شماره ۹۷۵ خبری از پیشنهاد مدیر سینما ایران به اداره معارف مشهد منتشر شده است که «هفته‌ای یک‌بار برای دانش‌آموزان با تخفیف

ویریه فیلم‌نشان داده شود. او ۲۸ خرداد ۱۳۰۹ به عنوان متصدی سینما ایران برای ایجاد «سینمای باغ ملی» از اول تیر ۱۳۰۹ قراردادی با بلدیة مشهد امضا می‌کند، البته بلدیة داوودزاده با اتمام یک سال مدت قرارداد بر سر این سینما به مشکل می‌خورند. طبق سندی که مربوط به شکایت میرزا محمدخان هادی، رئیس بلدیة مشهد، است و در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۱۰ به محکمه صلح مشهد ارسال شده، داوودزاده «مدیر سینما مایاک»

خطاب شده است. در متن این شکایت‌نامه که بر سر ۱۵۰ تومان بدهی اقساط صاحب سینما و واگذاری مکان سینما به بلدیة است، چنین آمده است: «آقای داوودزاده، مدیر سینما مایاک، مدعی‌الیه مرقوم محکوم است که مبلغ ۱۵۰ تومان وجه نقد و ساختمان سینما مایاک را که واقع در داخله باغ ملی و مرقوم پنجاه تومان است، به مدعی مرقوم، تسلیم و واگذار نماید.» از این سند چنین برمی‌آید که یک

از اعتبار تا «ایران»

موسی‌خان اعتبار السلطنه، بعد از شکل‌گیری سینما ملی، آوانفر را که از مهاجران عشق‌آباد ترک‌منستان است، استخدام می‌کند. او که از علاقه‌مندان سینماست، سالن اعتبار السلطنه را تا سال ۱۳۰۶ مدیریت می‌کند. در این سال، کم‌کم رونق از این سالن رخت برمی‌بندد اما با نام «کلوپ اعتبار السلطنه» همچنان میزبان نمایش فیلم است. حتی سندی وجودش که نشان می‌دهد در این محل سینمایی با نام «ایران» فعالیت می‌کند. روزنامه آزادی، چاپ مشهد در شماره ۱۳۸ خود به تاریخ ۲۰مهر ۱۳۰۸ زیر تیتر «در سینما ایران» می‌نویسد: «امشب و فرداشب فیلم حلمی پاشا که معروف دنیاست، نمایش داده خواهد شد. از تماشای



یکه تاز نمایش شهر

اگرچه تماشاگر این فیلم‌ها ابتدا اعیان شهر و فرماندهان قشون قزاق هستند. کم‌کم دیگران نیز با پرداخت پنج‌شاهی پایشان به برنامه نمایش فیلم «تالار اعتبار السلطنه» باز می‌شود. استقبال بی‌نظیر مردم از نمایش‌گاه گاه فیلم در عمارت موسی‌خان، سبب می‌شود بسیاری از سرمایه‌داران یا علاقه‌مندان به فکر تأسیس چنین فضایی بیفتند. اما خود اوست که دو سال بعد از نمایش نخستین فیلم بر پرده گچی تالار تصمیم می‌گیرد نمایش فیلم را منظم و قاعده‌مند کند و در اصطلاح امروزی در بنای پانصد مترمربعی تالار یک «سینمای دائمی راه بیندازد. جمال امید در کتاب «تاریخ سینمای ایران»، درباره این تالار می‌نویسد: «پس از تبریز، مشهد از جهت تأسیس سینما نسبت‌به شهرهای دیگر دارای قدمت است. در سال ۱۲۹۰ نخستین بار در تالاری متعلق به اوگانف(اعتبار السلطنه) تالاری برای نمایش تأسیس شد. گنجایش این سالن که علی‌اکبر اژدری، پرویز آذرخش، حکمی، عباس حیدری و حبیب اژدری در آن بازی می‌کردند، سیصد تماشاگر بود و در آن به‌جز نمایش، فیلم صامت نیز نشان می‌دادند. در زمستان ۱۲۹۲ این سالن به‌عنوان سینمای دائمی درآمد و روس‌ها برای تهیه فیلم به اعتبار السلطنه کمک می‌کردند. معروف است که دسته‌ارکستر نظامی روس و ایران به نوبت در برابر سالن، آهنگ‌هایی را اجرا می‌کردند. در سال ۱۲۹۷ موسی‌خان نامه‌ای به عیدآ... انتظام‌وزیری(وزیر امورخارجه ایران در کابینه حسین علاء و فضل‌آ... زاهدی) می‌نویسد و از او خواهش می‌کند که برای سالن او از آرداشس خان پادماگربان(صاحب چندین سینما در تهران ملقب به اردشیرخان) فیلم کرایه کند. انتظام این کار را می‌کند ولی اردشیرخان به او پاسخ منفی می‌دهد و اعلام می‌کند که حاضر است فیلم‌ها را بفروشد.»



این فیلم غفلت نکنید. ابتدای شروع ساعت ۷ بعد ازظهر در سالن اعتبار السلطنه. اگرچه مشخص نیست سینمای ایران دقیقاً کی تأسیس شده است، می‌توان مطمئن بود که این سینما با «سینما ایرانی» که بعدها در محل «سینما دیده‌بان» دایر می‌شود، تفاوت دارد. همچنین مشخص نیست که تالار اعتبار السلطنه تا کی میزبان اکران فیلم‌هاست اما آن‌طور که از مدارک پیداست، این سالن در دوسال بعدی همچنان نمایش برگزار می‌کند، نمونه‌اش نمایش «لیله شبیه ۱۲۹ آذر ۱۳۰۹ در سالن اعتبار السلطنه» با نام «نمایش شاه‌عباس کبیر و خورشیدبانو» و «نمایش خبط بزرگ» به قلم لامیش فرانسوی که «در لیله ۱۷ اسفند ۱۳۱۰ در سالن اعتبار السلطنه» تماشایش «به‌انضمام عملیات خارق العاده خالی از تماشا نیست.»

سینما مایاک نیز از سال ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۰ در باغ ملی دایر است که با «مایاک» مادام روزیک توماس و مالکان سینما ملی(آرسن منگاساریان، یفرم توماس و زاخار ماسگاریانی) متفاوت است.

در این دوره که سینماهای دیگری نیز در مشهد پا گرفته است، سالن اعتبار السلطنه به‌مرور فراموش و از یادها محو می‌شود تا اینکه سال‌ها بعد تخریب اعتبار السلطنه، تماشایش «به‌انضمام عملیات خارق العاده خالی